

ژانر فلاکت در مسیر اسکار؟



امان عطیعی

میرزاگروه فونک

نود و هشتمین مراسم اسکار در اواخر زمستان سال جاری در سان دالیو نیوئر لس آنجلس کالیفرنیا برگزار می‌شود و به این واسطه وجه صنعتی تر سینمایی جهان – که عمدتاً در درون کمپانی‌های هالیوودی جا خوش کرده- برگزیدگانش را خواهد شناخت. سینمای ایران نیز بنا به سنت هرساله قرار است نامزد رسمی کشور ما در بخش خارجی‌زبان را در وقت مقرریه آکادمی علوم و هنرهای سینما معرفی کند؛ با این تفاوت مهم که امسال نقش ویژه‌ای برای تشکیلات صنفی خانه سینما در انتخاب فیلم برگزیده قائل شده‌اند. در سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی وظیفه انتخاب و ارسال آثار به آکادمی را برعهده داشت، ولی با توجه به عدم موفقیت چندساله فارابی در «جشن اسکار» و همچنین دست بالای نهادهای به‌اصطلاح صنفی و نیمه‌خصوصی فرهنگی- هنری یسر تأثیر پذیری دولت چهاردهم از آن‌ها، خانه سینما دست بالا را در انتخاب و ارسال فیلم به آکادمی ایفا خواهد کرد. اکنون نطفه این سؤالات در ذهن بسته می‌شود که

کارت طلایی آکتای براهنی

سالی که گذشت فیلمی به اندازه «پیرسر» دومین اثر بلند سینمایی آکتای براهنی سرسودا نکرد. تقریباً هیچ خبرگزاری، روزنامه، گلد سینمایی و مجله‌ای را پیدا نمی‌کنید که یکی از موضوعات اصلی‌شان به این اثر اختصاص پیدا کرده باشد. پیرسر در بخش ویژه هجدهوسومین دوره جشنواره فجر به نمایش درآمد و معالشف و موافق را روپوری هم قرار داد. اگر بخواهیم بیان کنیم که هیچ فیلمی به اندازه پیرسر در چندسال اخیر وارد حیات اجتماعی ایرانیان نشده اغراق نکرده و سخنی به گزاف نگفته‌ایم. فیلم بدون کش‌وقوس خاصی از خردآمده‌وارد چرخه اکران شد و با توجه به سوزه منتشیب به پرفروش‌ترین ملودرام اجتماعی (اگر این تقسیم‌بندی ژانری در مورد اثر را بپذیریم) سینمای ایران بدل گردید. پیرسر پیش از نمایش عمومی در ایران و همین‌طور اکران در بخش ویژه جشنواره حضور نسبتاً موثقی را هم در فستیوال‌های

«زن و بچه» را صادر کند. فیلم پس از نمایش به جشن مسابقه جشنواره کن، برای اکران در ایران، پرونه نمایش گرفت تا عملاً راه روستایی برای ادامه کار در کشور خسته نشود. از این‌ها گذشته اثر مورد رضایت منتقدان فرانسوی (از کادوینسینا گرفته تا ژوزیف) و منتقدان انگلیسی‌زبان جشنواره کن قرار گرفت و در مراسم اختتامیه نیز هیچ اسمی از آن در میان برگزیدگان بخش‌های مختلف برده نشد. ارزش هنری یک فیلم بهمان‌هایی البته براساس معیارهای کمی مشخص نمی‌شود، ولی اگر فیلساز بخواهد صرفاً برای جدی فکر شده باشد در این مسیر بگذارد بهتر است تا ترندهای روز توجه نشان دهد و از آن غافل نباشد. با این تفاسیل

چه اثری می‌تواند نماینده خوبی برای سینمای ایران باشد؟ آیا اعمال نظر خانه سینما به‌عنوان تشکیلاتی که تابع سلیاق هم‌راستا با نظم غربی است می‌تواند خودی نشان دهد و جایگاهش در انتخاب فیلم برای اسکار را تثبیت کند؟ آیا گزراهایی که از شکست پروژه سینمایی ایران در جشنواره‌ها و بالاخص جشن‌های خارجی نظیر اسکار بقتا، سزار، گلند گلوب و... حاکمیت می‌کنند، منطبق بر واقعیت صحنه است؟ براساس آمارهایی که از کاهش مخاطبان تلویزیونی اسکار و باقی جشن‌های سینمایی خبر می‌دهند، آیا می‌توان همچون مسابق برای این رویداد اهمیت قائل شد؟ چه معیارهایی برای ورود به فهرست نهایی آکادمی در بخش غیرانگلیسی‌زبان وجود دارد که بر مبنای آن سسینماگران کشور ما بتوانند شانس خود را برای کسب موفقیت امتحان کنند؟ بر مبنای اطلاعاتی که به «فرهیختگان» رسیده، «پیرسر»، «زن و بچه»، «غریزه» و «ناتور دشت» احتمالاً چهار نامزد نهایی سینمای ما برای شرکت در جمع فیلم‌های بخش خارجی‌زبان اسکار به حساب می‌آیند. سحر باید منتظر بمانیم که کدام از این فیلم‌ها بلیت مسافری به لس‌آنجلس را از ر قضا بریوده و راهی آمریکا می‌شود.

کارت طلایی آکتای براهنی

سالی که گذشت فیلمی به اندازه «پیرسر» دومین اثر بلند سینمایی آکتای براهنی سرسودا نکرد. تقریباً هیچ خبرگزاری، روزنامه، گلد سینمایی و مجله‌ای را پیدا نمی‌کنید که یکی از موضوعات اصلی‌شان به این اثر اختصاص پیدا کرده باشد. پیرسر در بخش ویژه هجدهوسومین دوره جشنواره فجر به نمایش درآمد و معالشف و موافق را روپوری هم قرار داد. اگر بخواهیم بیان کنیم که هیچ فیلمی به اندازه پیرسر در چندسال اخیر وارد حیات اجتماعی ایرانیان نشده اغراق نکرده و سخنی به گزاف نگفته‌ایم. فیلم بدون کش‌وقوس خاصی از خردآمده‌وارد چرخه اکران شد و با توجه به سوزه منتشیب به پرفروش‌ترین ملودرام اجتماعی (اگر این تقسیم‌بندی ژانری در مورد اثر را بپذیریم) سینمای ایران بدل گردید. پیرسر پیش از نمایش عمومی در ایران و همین‌طور اکران در بخش ویژه جشنواره حضور نسبتاً موثقی را هم در فستیوال‌های

«زن و بچه» روستایی در اسکار؟ فکر نکنم

سعيد روستایی را چه موافق متن و اسلوب فیلمسازی‌اش باشیم و چه از استایل او این زمینه خردمان تأیید، به‌عمره احمدحسین مهدویان، یکی از مهم‌ترین استعدادهای ارگانیک سینمای ایران از آغاز دهه نود شمسی به این طرف است. با او باید یک روز،» پلهای موقت، محبوبیت و شهرت را در یک شب با او داشت و با «مزی شش‌رو نیم» بدل یک سینماگر استاندارد در ابعاد جهانی شد. نمایش «برادران لایلا» در کن حواشی زیادی را برای کارگردان جوان ایجاد و او را وارد چالش با نظام کرد. با پایان عمر نسبتاً کوتاه دولت سیزدهم، حواشی مربوط به برادران قیل هم فرکش کرد تا دولت چهاردهم در اولین اقدامش پروانه ساخت «زن و بچه» را صادر کند. فیلم کن به نمایش به جشن مسابقه جشنواره کن، برای اکران در ایران، پرونه نمایش گرفت تا عملاً راه روستایی برای ادامه کار در کشور خسته نشود. از این‌ها گذشته اثر مورد رضایت منتقدان فرانسوی (از کادوینسینا گرفته تا ژوزیف) و منتقدان انگلیسی‌زبان جشنواره کن قرار گرفت و در مراسم اختتامیه نیز هیچ اسمی از آن در میان برگزیدگان بخش‌های مختلف برده نشد. ارزش هنری یک فیلم بهمان‌هایی البته براساس معیارهای کمی مشخص نمی‌شود، ولی اگر فیلساز بخواهد صرفاً برای جدی فکر شده باشد در این مسیر بگذارد بهتر است تا ترندهای روز توجه نشان دهد و از آن غافل نباشد. با این تفاسیل

خبر رسید که «غریزه» جدیدترین اثر سینمایی سیلواش اسعدی بزودی در سینماهای کشور اکران می‌شود. فیلم در میان همه‌های که در رابطه با پیرسر در بخش ویژه جشنواره فجر در بهمن ماه گذشته شکل گرفت، محور شد و دیده شد، اما کهن پس از گذشت چندماه سکوت را اختیار نکرد نمایش عمومی غریزه به گوش می‌رسد که چهارمین فیلم سیلواش اسعدی یکی از گزینه‌های اصلی سینمای ایران برای حضور جدی در جمع آثار بخش خارجی‌زبان اسکار است. شاید جالب باشد که بدانید این فیلم به‌شکل چراغ خاموش برای حضور بین‌المللی جدی در جشنواره‌ها و جشن‌های سینمایی در سال جاری آماده می‌شود. درحالی‌ا غریزه به‌عنوان یکی از گزینه‌های کم‌شانس‌تر سینمایی ما در اسکار نام می‌برد که دست‌اندرکاران مشترک ایرانی و ترکیه‌ای حسای برای پیش‌آیند آن لاده‌اند و با بخش معتبر MUBI به‌منظور حضور قدرتمند در بازارهای خارجی و همین‌طور تأثیر بر مراسم اسکار به توافق رسیده‌اند.

پمپاژ امید کافی نیست

محمدرضا خردمنان با اولین اثر بلند سینمایی‌اش نشان داد اگر سینمای ایران از حلقه‌های یک ساختار صنعتی برخوردار بود می‌توانست در همان گام نخست خوش بدرخشد و آوازه‌اش را بیرون مرزهای جغرافیایی و فرهنگی ایران طین‌انداز کند. «مست‌یک روز بعد» اثر قابل تأمل و سرگرم‌کننده‌ای بود که می‌توانست در هر کجای دنیا به نمایش دربیاید و موفقیت مالی خوبی را نصیب سازنده‌اش کند. اما همه این موارد باعث نشد تا خردمنان فیلم

بعدی‌اش را با فاصله زمانی اندکی نسبت به کار اول جلوی دوربین برود. باری، از «ناتور دشت» (دومین فیلم بلند داستانی محمدرضا خردمنان نیز در مقام یکی از چهار فیلم نهایی سینمای ایران برای

آیا پروژهٔ سینمای ایران در اسکار شکست خورده؟

پس از کسب دومین اسکار بخش خارجی‌زبان سینمای ایران توسط اصغر فرهادی، توقع طیفی از کارشناسان حوزه سینما، منتقدان، خبرنگاران و حتی جیفی از سینطیل‌ها از سینمای ما بالا رفت. آن‌ها تصور می‌کردند و همچنان می‌کنند که عدم موفقیت آثار برگزیده سینمای انتخاب در این سال‌ها نتیجه تعجب‌عسکر دو مدیران هیئت‌الله کشور و ایضاً ضعف سینمای رسمی ایران در برقراری ارتباط با مخاطبان است و ما یک شکست‌خورده تمام‌جهاییم. درحالی‌که با هر متر و معاری، سینمای ایران از بدو شکل‌گیری‌رشته «بهترین فیلم خارجی در اسکار حضور بسیار درخور توجهی داشته و حداقل در فیلم‌های غرب آسیا، شال ارق‌قا و مسلمان دست‌بالا رانداشته است» آن هم در شرایطی که ما در وضعیت تحریمی بسر می‌بریم و نمی‌توانیم ارتباط‌بدون دست‌اندازی‌با مدیای غرب داشته باشیم. این امر کنار وضعیت حاکم بر سینمای ایران که در نوبت یک صنعت خردسود است (به جز انیمیشن‌های بلند سینمایی) پیش از آنکه افتخاری برای کشور اکران است قرار دهد تا براینان مشخص شود که فیلسازان ما حتی در وسعت جهانی و بیرون از دست‌بندهای‌خاورمیانه‌ای و غرب

آیا اسکار همچنان مهم است؟

دنایی که ما در آن زندگی می‌کنیم با سرعت سرسام‌آوری رو به تغییر است. جامعه‌ای‌ری‌نسل زد برخلاف اسلافشان دیگر غفلت خاطری به سینما در مقام یکی از گزینه‌های اصلی موجود برای سرگرم شدن ندارند و تماشا می‌سرای، مینی‌سرای، سینک‌های آمریکایی و از آن‌هاون تا همزبانی‌بدون هدفه‌ها به جشنواره‌های غربی است. اگر شش‌شگی‌اش به رویدادهای نظیر کن و اسکار را از دید هموطنان و رسانه‌های خارجی و داخلی پنهان کنند، رونمایی فیلم زن و بچه فارغ از بحث‌هایی که در مورد کیفیت نهایی‌اش وجود دارد در صورت معرفی از سسوسی کمپته انتخاب نمی‌تواند شانس زیادی برای موفقیت در اسکار داشته باشد.

رای‌دهندگان جدیدالورود آکادمی، منتخبان را تغییر داده‌اند

فعلاً که برایش تره هم خرد نمی‌کنم



در دوازده سیزده سال اخیر اسکار و سینمای آمریکا دچار شکلی از تغییر ماهیت شده؛ یک زمانی یاد به یک چشمه موافق بودند و چه مخالف- اسکار برآیند هالیوود زمان خودش بود، امکان بروز اشتباهاتی هم وجود داشت؛ اما این قاعده در اغلب مواقع صادق بود و نشان می‌شد. شاید شما یک فیلم دیگری را – به جز برنده اصلی- دوست می‌داشتید؛ ولی برنده، بر اساس منطق آن سال سینمای آمریکا، از برایشان قابل‌پذیرش بود و می‌توانستید بگویند فلان فیلم میانگین پسند آن سال سینمای آمریکا را به دست آورده است. برداشت من این است که چنین قاعده‌ای چه در اسکار غیرانگلیسی‌زبان و چه در انگلیسی‌زبان در آن سال‌ها وجود داشت؛ مثلاً منکن بود شما محرمانه لس‌آنجلس (L. A. Confidential) یا تیتانیک (Titanic) دوست داشته باشید؛ ولی منطق جایزه بیشتر از تایتانیک را درک می‌کردید. شاید شما هر دو فیلم پالپ فیکشن و همزمان با انتشار خبر نمایش عمومی غریزه به گوش می‌رسد که برای حضور بین‌المللی جدی در جشنواره‌ها و جشن‌های سینمایی در سال جاری آماده می‌شود. درحالی‌ا غریزه به‌عنوان یکی از گزینه‌های کم‌شانس‌تر سینمایی ما در اسکار نام می‌برد که دست‌اندرکاران مشترک ایرانی و ترکیه‌ای حسای برای پیش‌آیند آن لاده‌اند و با بخش معتبر MUBI به‌منظور حضور قدرتمند در بازارهای خارجی و همین‌طور تأثیر بر مراسم اسکار به توافق رسیده‌اند.

خبر رسید که «غریزه» جدیدترین اثر سینمایی سیلواش اسعدی بزودی در سینماهای کشور اکران می‌شود. فیلم در میان همه‌های که در رابطه با پیرسر در بخش ویژه جشنواره فجر در بهمن ماه گذشته شکل گرفت، محور شد و دیده شد، اما کهن پس از گذشت چندماه سکوت را اختیار نکرد نمایش عمومی غریزه به گوش می‌رسد که چهارمین فیلم سیلواش اسعدی یکی از گزینه‌های اصلی سینمای ایران برای حضور جدی در جمع آثار بخش خارجی‌زبان اسکار است. شاید جالب باشد که بدانید این فیلم به‌شکل چراغ خاموش برای حضور بین‌المللی جدی در جشنواره‌ها و جشن‌های سینمایی در سال جاری آماده می‌شود. درحالی‌ا غریزه به‌عنوان یکی از گزینه‌های کم‌شانس‌تر سینمایی ما در اسکار نام می‌برد که دست‌اندرکاران مشترک ایرانی و ترکیه‌ای حسای برای پیش‌آیند آن لاده‌اند و با بخش معتبر MUBI به‌منظور حضور قدرتمند در بازارهای خارجی و همین‌طور تأثیر بر مراسم اسکار به توافق رسیده‌اند.

خبر رسید که «غریزه» جدیدترین اثر سینمایی سیلواش اسعدی بزودی در سینماهای کشور اکران می‌شود. فیلم در میان همه‌های که در رابطه با پیرسر در بخش ویژه جشنواره فجر در بهمن ماه گذشته شکل گرفت، محور شد و دیده شد، اما کهن پس از گذشت چندماه سکوت را اختیار نکرد نمایش عمومی غریزه به گوش می‌رسد که چهارمین فیلم سیلواش اسعدی یکی از گزینه‌های اصلی سینمای ایران برای حضور جدی در جمع آثار بخش خارجی‌زبان اسکار است. شاید جالب باشد که بدانید این فیلم به‌شکل چراغ خاموش برای حضور بین‌المللی جدی در جشنواره‌ها و جشن‌های سینمایی در سال جاری آماده می‌شود. درحالی‌ا غریزه به‌عنوان یکی از گزینه‌های کم‌شانس‌تر سینمایی ما در اسکار نام می‌برد که دست‌اندرکاران مشترک ایرانی و ترکیه‌ای حسای برای پیش‌آیند آن لاده‌اند و با بخش معتبر MUBI به‌منظور حضور قدرتمند در بازارهای خارجی و همین‌طور تأثیر بر مراسم اسکار به توافق رسیده‌اند.

خبر رسید که «غریزه» جدیدترین اثر سینمایی سیلواش اسعدی بزودی در سینماهای کشور اکران می‌شود. فیلم در میان همه‌های که در رابطه با پیرسر در بخش ویژه جشنواره فجر در بهمن ماه گذشته شکل گرفت، محور شد و دیده شد، اما کهن پس از گذشت چندماه سکوت را اختیار نکرد نمایش عمومی غریزه به گوش می‌رسد که چهارمین فیلم سیلواش اسعدی یکی از گزینه‌های اصلی سینمای ایران برای حضور جدی در جمع آثار بخش خارجی‌زبان اسکار است. شاید جالب باشد که بدانید این فیلم به‌شکل چراغ خاموش برای حضور بین‌المللی جدی در جشنواره‌ها و جشن‌های سینمایی در سال جاری آماده می‌شود. درحالی‌ا غریزه به‌عنوان یکی از گزینه‌های کم‌شانس‌تر سینمایی ما در اسکار نام می‌برد که دست‌اندرکاران مشترک ایرانی و ترکیه‌ای حسای برای پیش‌آیند آن لاده‌اند و با بخش معتبر MUBI به‌منظور حضور قدرتمند در بازارهای خارجی و همین‌طور تأثیر بر مراسم اسکار به توافق رسیده‌اند.

معرفی به نودوهشتمین مراسم اسکار یاد می‌کنند. این اثر در مقایسه با دیگر فیلم‌ها در بحث تماثیک بسیار ایرانی است و به‌شکل بالقوه می‌تواند نماینده مناسبی برای سینمایی ایران در اسکار باشد. اما این اثر برخلاف سه فیلم دیگر، به دلیل بر خوراری در حمایت‌های ارگانی و نهادهای همین‌طور با توجه نفوذ قدرتمند خانه سینما و دست‌پایین‌تر فارابی نسبت به این تشکیلات صنفی هیچ شانس‌ی برای ورود به سالن‌هایی تیت ژئو ندارد. ناتور دشت نه‌رسانه دارد و نه اخباری میلی به سرست‌جوری سازندگان آن برای پذیر کردن بخش‌کندین‌های مالی به بیرون درز کرده است. از طرفی فیلم هنوز به اکران نرسیده معلوم نیست در صورت نمایش عمومی مخاطب‌بان یا چگونه رفتار می‌کند.

در سال‌های مختلف تلاش اصلی‌مان این بود که سلیقهٔ آکادمی اسکار را پیش از برگزاری، حدس بزنیم. کمپته‌های مختلف هم تلاش کردند در حد بضاعت خردشان فیلم‌هایی را انتخاب کنند و راهی اکرانش کنند. کیفیت برخی از آثار به حدی بالا بود که کسی شکی نداشت، اما فیلم‌هایی که در این سال‌ها و بعد از «فروشده» تا حالا، خیلی نرسود، با همه این صحبت‌ها، به‌نظم یک نکته را نباید فراموش کنیم و آن هم اینکه آنان دیگر مانند هفت یا هشت سال قبل، اسکار دیگر هم نشینده‌اند. خیلی از مردم در جهان اصلاً یادشان رفته مراسم اسکار و برنده اسکار چیست. جدا از این حرف‌ها، به هر حال دو مسئله به‌یادماندنی برای مردم ایران است که باید یادماندنی باشد. به نظر شانس بیشتری برای رقابت دارند و دوم اینکه فیلمی را انتخاب کنیم که گنجینهٔی اقدر لا باشد تا حرف و حدیث‌ها را از بین ببرد. در تمام این تقاضای این‌ها هم باید در نظر بگیریم که اسکار در سال‌های اخیر تاحدی سبیل مسائل فرامتنی شده، سلیقهٔ اصلی آن تغییر جدی‌ای نکرده اما حضور مسائل فرامتنی در آن احساس می‌شود. نمونه‌اش را می‌تواند نگاه‌ها را به سمت لس‌آنجلس برگرداند.

داشته‌ام؟ بطور می‌شود در آرا و نظر حدود ۵۰۰۰ دست‌بود؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش باید به‌رای‌دهندگانی نگاه کنیم که طی این چند سال به اسکار اضافه شدند. شما گروه‌هایی را به آکادمی اضافه کردید که دستچین شده بودند. افرادی که بر اساس همین آیدنالوژی تازه به اسکار پیوستند و بخش قابل‌توجهی از آن‌ها هم یا ملیت ایرانی یا خاورمیانه‌ای داشتند. همین آرای جدیدالورودها می‌آید و نظر جریان اصلی سینمای هالیوود و افرادی مثل کلیت ایستودر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. خلاصه این هم یک‌جور که یک جشنواره‌ای است.

با این‌حال درباره اسکار امسال و با آمدن ترامپ و اعمال تفرقی که دارد روی هالیوود به خرج می‌دهد، خیلی قطعی نمی‌توانیم نظر بدهیم که شرایط امسال هم مانند سال‌های گذشته باشد. به‌نظم باید همه صبر کنیم تا وضعیت برندگان امسال را ببینیم. آنچه اخبار می‌گویند بسیاری از پلنفرم‌ها در حال تغییر سیاست‌هایشان بر

اساس نظر و خواست ترامپ هستند. بسیاری از سلیبرئی‌ها حتی سیاسی‌بازی‌ها، ترجیح دلایل غیرسینمایی به صنعت سینما، حتی می‌شود گفت در حال‌آش بیشتر از رویدادهای دیگر شور شده. این بدان معنی نیست که در تمام سال‌های پیش رویکرد ثابت بوده، خبر در دهه‌های مختلف تغییر سیاست‌ها رخ می‌داده (البته نه به این شدت). مثلاً در دهه ۷۰ فیلم‌های تجربه‌گرا و شد جریان اصلی مثل اربث‌اظ فرانسوی و دیوانه از قفس پرید اسکار می‌گرفتند، با در هالیوود دهه هشتاد، فیلم‌های محافظه‌کار یا گرفتند و آثار و مثل مردم معمولی و پی‌سی از آن راکی پندید آمدند. با این‌حال فیلم‌هایی که جایگزین قبلی‌ها می‌شد‌باز هم آثار خوبی بودند. ولی حالا شرایط کاملاً ناآمیدکننده شده و اسکار به جز یکی دو مورد در سیزده سال اخیر فیلم در‌خشانی ارائه نکرده است.

حالا یک پرسش مطرح می‌شود؛ مگر اسکار برآیند نظر سینمای آمریکا نیست؟ پس چرا این میزان تغییر در آن ۱۲ یا ۱۳ سال اخیر

ما بر سر‌دیده هم می‌زنیم که کدام فیلم را باید می‌فرستادیم. این



اسکار در سال‌های اخیر تا حدی تابع مسائل فرامتنی شده‌است

ما در اسکار گرفتن اصغر فرهادی برای فیلم فروشنده دیده بودیم. اگر خاطرات‌شان، فرهادی با مارن آده و فیلم تونی اردمان رقابت داشت و خیلی‌ها شانس اصلی را به تونی اردمان داده بودند اما به خاطر کمپین تبلیغاتی‌ای که علیه ترامپ به راه افتاده بود، اسکار به فرهادی داده شد و «فروشنده» جایزه را مال خود کرد. البته بعید می‌دانم امسال معاونت سینمایی است را چند نماینده دیدگاه سنولان است. ما عملاً در میان جشن‌های منطقه هیچ کشوری که برنده اسکار باشد نداشته‌یم. فیلم‌هایی که در این سال‌ها و بعد از «فروشده» تا خیلی بر صنعت سینما داشتن این کشور ها نیست. اغلب فیلم‌های اینجینتی ششانی از جریان پیروسته سینمایی ندارند و حتی سینما ترکیه با آن همه سروصدایی که نوری ییلگه چیلان ایجاد می‌کند باز هم دلیلی بر وجود صنعت سینما در ترکیه نیست. به‌نظم ما تنها کشور هستیم در منطقه که صنعت فیلسازان داریم و برای همین قاعدهٔت خردمان در این رقابت‌سینمایی «حالا اگر براینان مهم است» جالب خواهد بود. در حقیقت، فیلم‌دین دیگر مثل سابق یک مسئله مهم بین خانواده‌ها و مردم نیست. الان شبکه‌های موشال مدیا بازی‌های کامپیوتری جای سینما از گرفته‌اند و سینما تبدیل به رسانه دوم شده است. نکته‌ای از «سلام سینمای» مخملیان را بدقت وخت پیش داشتم می‌دیدم. در بخش‌سی از فیلم کارگردان از کسانی که برای تست بازیگری آمده بودند می‌پرسید: کدام بازیگر هستید؟ کسی می‌گفت آن دلون، شخص‌گیری می‌گفت آن‌کنت کورین- حالا من به شما قول می‌دم که اگر الان ده‌تا پسر را پیدا کنید در محله‌های مختلف و بگویید شبیه کدام بازیگر هستید باز دیگر میانگین کم نیست، اصولاً خیلی کسبی را نمی‌توانیم پیدا کنیم. بگویند. این بخواهیم خیلی لغف کنند می‌گویند؛ تلویزاد و دی‌کابروی. سینما در کل جهان خوابیده و کاری هم از دستانم بر نمی‌آید.